

ستاره سرخ

گزارشی از دو اعتصاب کارگری

وضع زندگی کارگران ایران هر سال و همراه بدتر می شود. افزایش سرسام آور هزینه های زندگی، بیش از پیش اثرات منفی خود را بر زندگی اسفناک کارگران میهن مانده و فقر آنها را شدت می دهد.

رژیم دست نشانده محمد رضا پهلوی ناتوان از حیل معضلات کشور روز بروز منظر سرکوب هر صدای اعتراضی از یکسوی سرمدت ترور و اختناق می افزاید و از سوی دیگر با تبلیغات گوش خراش تلاش دارد که واقعیات دردناک زندگی طاقت فرسای کارگران ایران را در گون جلوه دهد. اما همانگونه که در چند سال اخیر با برخاستن مجدد مبارزات کارگران شاهد بوده ایم، نه آن ترور و اختناق و نه این تبلیغات عوام فریبانه قادرند در راه راستین کارگران میهن ما وسایر زندگان از اقتدار و طغیان دیکر خلی وارد سازند. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم میتوانند همچنان نعره بر کنند که وضع بهداشتی و فرهنگی کارگران میهن ما بهبود یافته، وضع اقتصادی آنها رضایت بخش است و درآمد سرانه سالیانه امروز هزار دلار برزودی خواهد گذشت. اما کارگران میهن ما که شدت هر چه تمام تر توسط سرمایه داران خارجی و داخلی استثمار میشوند، روز و شب با گرسنگی و بیماری دست و پنجه نرم میکنند و قادر به فرستادن فرزندانشان به مدارس نیستند؛ بهتراز هر کس دیکر قادرند به دروغین بودن تبلیغات رژیم بی بینند. کارگران میهن ما که بخشی از درآمد ناچیزشان توسط رژیم تحت عنوان پرداختی جهت استفاده از بیمه روده میشود و بخوبی می بینند که بهنگام بیماری و مرگ به بیمارستان ها بدون توجه به نوع بیماری از یک نوع قرص و شربت به آنها داده میشود و حتی بنا بر ادعای مطبوعات رژیم برای در حدود یک میلیون کارگر بیمه شده فقط ۵۰۰ پزشک بیمه یعنی برای هر ۲۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد چگونه میتوانند ادعاهای دروغین رژیم را مبنی بر بهبود وضع بهداشتی کارگران باور کنند. کارگران میهن ما که سال بسال رنگ گوشت را هم نمی بینند و شاهد حطی قند و شکر و بالاترین سرسام آور هزینه های زندگی هستند چگونه میتوانند به تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر بهبود شرایط زندگی در ایران باور آورند. کارگران میهن ما که با درآمد روزانه ۲۴ ریال (کارخانه ماشین سازی تبریز) معادل

رای می بینند و با کسب پیروزیهای کوچک در حال حاضر مبارزه را خاتمه یافته ندانسته بلکه به تهیه مقدمات مبارزه ای دیگر می پردازند.

گزارشات رسیده همچنان حاکی از گسترش مبارزات و اعتصابات کارگری در ایران است. در زیر گزارش از اعتصاب را، یکی اعتصاب کارگران مبارز کارخانه ماشین سازی تبریز در دیماه گذشته و دیگری تظاهرات و اعتصاب کارگران کارخانه نجات تولیدی ایرانا، در خرداد ماه ۵۳ چاپ می کنیم.

اعتصاب در کارخانه ماشین سازی تبریز
"در کارخانه ماشین سازی تبریز کار در حدود ۱۷۰۰ نفر کارگر و کارگر زن کار میکنند. حدود پانصد نفر کارمند اداری اعم از لیسانس و دیپلمه و بیانی دیپلمه و حدود چهل نفر مهندس، صد نفر تکنیسین، سیصد نفر کارگر ماهر و نیمه ماهر مستقیم و بقیه کارگران غیر مستقیم و کمکی، که اکثر با طول روزمندی استثمار میشوند.

درخواست های کارگران، که قبل از شروع اعتصاب بکرات آنها را با مسئولین امر بدون گرفتن نتیجه مطلوب مطرح نموده بودند شامل ه قسمت میگردد:

اول - افزایش دستمزدها، دوم - تعدیل اختلافات نامعقول حقوق قشرهای مختلف، سوم - مطابقت دادن حقوق کارگران با کارهای محوله از نظر طبقه و پایه، چهارم - رسا شدن حداقل دستمزدها به ۶۰۰ ریال در ماه، پنجم - مطابقت دادن حقوق کارگران با جدول حقوقی سال ۵۲ کارخانه. در اعتصاب حدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ کارگر شرکت داشتند که بطور عمده متشکل بودند از کارگران روزمزد و کارگران غیر مستقیم و کمکی. تعداد معدودی از کارگران ماهر. اعتصاب حدود ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه ۲۶ دیماه با تجمع کارگران اعتصابی در محوطه کارگاهها و حرکت آنها بسوی اداره مرکزی کارخانه شروع گردید و در آنجا خواهان حضور مدیر عامل کارخانه، جهت طرح مسائل خود گردید ولی بعضی مدبر عامل چند نفر از عوامل "خدمات مخصوص" که شعبه ای از سازمان باخلاق امنیتی در کارخانه میباشند بیان ایتمان رفته و سعی نمودند با نصیحت و وعده و وعید آنها را بسربازگردانند. اما کارگران با آگاهی باین نیز که ها بروی خواسته های خود اصرار ورزیدند.

کارگران اعتصابی روز شنبه بانبروی بیشتری و متشکل تر بکارخانه آمد و پس از پوشیدن لباس کار در زبانه در جلوی ساختمان اداره مرکزی تجمع نمودند. با توجه باینکه این اعتصاب باسردترین روزهای زمستان مصادف بود بقیه در صفحه ۲

اقتصادی - سیاسی درونی خود را بدوش سایر همکاران و دست نشانگان در پیش گرفته است.

پایگاه ها و ژاندارمهای امپریالیستی نه تنها از لحاظ نظامی وظیفه دارند از منافع امپریالیسم آمریکا حمایت نمایند بلکه همچنین میبایست از نقطه نظر اقتصاد به کلیه نیازهای آنها جوابگو باشند. مسلماً پایگاه های مورد نظر برای این منظور باید واجد شرایط ویژه ای باشند:

وجود منابع سرشار مواد اولیه، وجود حکومت دست نشانده وجود بازار کار ارزان قیمت؛ وجود سرمایه های پولی هنگفت. . . . شرایط فوق الذکر مورد ایران کاملاً صدق است. بخصوص در این اواخر که منابع هنگفتی از نفت تاراج گزاردن نفت ایران بجیب شاه و سایر لایان نفتی رفته است (۲۰ میلیارد دلار تنهادر دو سال اخیر).

بحران اقتصادی که امپریالیسم جهانی بدان دچار شده است وی را مجبور ساخته است تا هر چه بیشتر تلاش کند تا میلیاردها دلار از درآمد نفت که به خزانه شاه وارد گشته در بخشهای بکار افتد که جوابگوی نیازمندیهای مشکلات و بحرانهای سیاسی است تحمیل سنتی با بحرانهای

چندی است ورق پاره های رژیم در دنیا به سخنان شاه - ۱۹۷۳ - با صراحت هر چه بیشتر از تولید انرژری هسته ای در ایران و درباره برنامه های متعددی، که قسمتی از آنها در سال جاری و قسمت های دیگر تا بیست سال آینده با اجرا گزارده خواهند شد، صحبت میکنند.

از جمله در اطلاعات ۲۶ فروردین اسما میخوانیم: "تا بیست سال آینده در ایران انرژی اتمی جایگزین سایر انرژی ها خواهد شد."

دستگاه های تبلیغاتی رژیم همچنین از قرارداد های همکاری در این زمینه با سوئد، کانادا فرانسه و ژاناسیر دوره هایی در دانشکده صنعتی برای تربیت کادرهای متخصص و اعزام عده ای به دانشگاه های اروپا و آمریکا سخن می رانند.

خلاصه رژیم محمد رضا پهلوی از طریق بلندگوهای تبلیغاتی خود ادعا میکند نقشه های عریض و طولی در جهت بهار کردن و استفاده از انرژی هسته ای را دارد. به روشن نمودن مقاصد اصلی رژیم در طرح این برنامه ها و افشای کذب تبلیغات در اطراف آنها میپردازیم:

در کونیه ای اجتماعی، باور عمده به تامل تضاد های درونی، جامعه بستگی دارند، یعنی به تامل تضاد بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، تضاد میان طبقات و تضاد میان نوک و کهنه تکامل این تضاد است که جامعه را به پیش میراند و سرانجام منجر به نشستن جامعه نوین بر جای جامعه کهنه میگردد. مائوتسه دون

از سنن انقلابی حزب کمونیست ایران بیاموزیم!

پنجاه و چهار سال پیش، کنگرست تاسری حزب عدالت که در بندرانزلی (بندر پهلوی) در خرداد ماه ۱۲۹۹ بر گزار شده بود، تاسیس حزب کمونیست ایران را اعلام نمود و قطعنامه های برای مبارزه علیه امپریالیسم (سرمایه داری خارجی)، همبستگی با شوروی و مبارزه با انگلستان و شاه تصویب گردید و با فرستادن پیامی به لنین کیبرونیسم نامیده شد، آنها را به عضویت کمیته مرکزی حزب برگزید.

روند ساختمان سیاسی - ایدئولوژیک این حزب با ستین از زمان جنبش سوسیال دمکراسی در ایران آغاز گشت و از طریق مبارزه بی امان پرولتاریای جوان و کمونیست های واقعی میهن ما علیه فئودالیسم - امپریالیسم و طبقه حکومت های استبدادی و در این رابطه، علیه انواع گوناگون گرایشات انحرافی در جنبش، شکل گرفت و تکوین یافت. امری که همچنان در کلیه دورانیهای زندگانی پر افتخار حزب نیز ادامه یافت.

پایه گزاران و کادرهای این حزب کبیر، حیدر عمو اولی ها سازماندهان شجاع و فعال کمونیستی بودند که با شجرت خستگی ناپذیرشان در توفان مبارزات طبقاتی و ملی در سنگرهای مختلف، تجربیات غنی اندوخته و از همان طریق، پیوندی ژرف با زحماتشان برقرار نموده بودند.

ایده حزب کمونیست ایران از طریق بیست سال مبارزه دشوار و طولانی مارکسیست های واقعی برای تحقق بخشیدن به امر وحدت طبقه کارگر در کشور ما و استوار کردن رهبری او، میسر گشت. وحدتی که پایه و اساس وحدت خلقهای ما بشمار می رود و لازمه اش استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و استقلال تبلیغاتی پرولتاریا می باشد.

حزب کمونیست ایران با توجه به خصوصیات میهن ما و با اتخاذ سیاست صحیح در مقابل خرده بورژوازی و بورژوازی ملی، در راه ایجاد جبهه ای متحد از زحماتشان شهر وده و سایر اقشار و طبقات انقلابی، گامهای بزرگ برداشت و نیز با ایجاد سازمانهای توده ای، سندیکاهای کارگری و شوراهای دهقانی در برخی نقاط از طریق تلفیق فعالیتهای کمونیستی حزب با فعالیت های دمکراتیک و هم چنین با تلفیق نارطقی و مخفی مبارزات هزاران پرسرولتر و زحماتشان را در میهن ما هدایت نمود و در سر تاسری نمودن حزب کوشید.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز تاسیس بمنظور سرنگونی طبقات ارتجاعی حاکم و برای کسب قدرت سیاسی کوشید و در این زمینه علیه گرایشات رفرمیستی و اپورتونیستی که نقش رهبری حزب را در انقلاب دمکراتیک ملی و نقش مبارزه مسلحانه را نادیده میگرفت و همچنین علیه گرایشات "چپ" که خصلت دمکراتیک مرحله انقلاب و نقش دهقانان را در آن مرحله، نفی مینمود مبارزه نمود. در حکومت انقلابی گیلان شرکت کرد و با احساس عمیق مسئولیت در قبال پرولتاریا و خلقهای زیرستم کشور ما، رهبری سیاسی جنگ مسلحانه توده ای را در دست گرفت. کلبه مراحل حیات حزب کمونیست ایران آکنده است از درگیری و بیگانه شدن او در جنبه: در درون علیه آنچه که پرولتاریائی نبود و در بیرون علیه آنچه با منافع خلق مغایرت داشت.

حزب حتی بعد از حملات وحشیانه دشمن، تا مدت ها بطور مخفیانه همچنان مبارزات توده های زیرستم را در کشور ما در شرایط سخت حکومت فاشیستی رضاخان، سازماندهی بقیه در صفحه ۳

استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ما است

بقیه نقشه های...

های بازار امپریالیستی باشد. از یکسو میدانیم ایجاد صنایع هسته‌ای و تولید آن برای امپریالیست‌ها احتیاج به صرف سرمایه هنگفت دارد و اتمام منابع نفتی جهانی تا چند دهسال آینده و احتیاجات روزافزون امپریالیست‌ها به منابع انرژی را آنها را وامیدارد که در زمینه صنایع هسته‌ای سرمایه‌گذاری بیشتری نماید. از سوی دیگر شکسته شدن انحصار صنایع هسته‌ای و رقابت کشورهای امپریالیستی و سوسیال-امپریالیسم در فروش صنایع هسته‌ای شرایط را فراهم نموده است که آنها برای تامین سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع هسته‌ای دست به فروش راکتورهای اتمی بزنند.

طرح برنامه‌های گوناگون برای مهار کردن و ایجاد انرژی هسته‌ای از جانب رژیم شاه تنها در چارچوب مایل فوق‌الذکر قابل فهم است. بدین معنی که فعالیت در بخش "اتمی" مورد احتیاج امپریالیسم است و ایران وظیفه دارد مبالغ در یافتی از فروش نفت را در خدمت آن قرار دهد.

با در نظر گرفتن مقوله فوق‌الذکر لازم است مناسبات آنرا با روابط "رقابت و تبانی" بین امپریالیسم و سوسیال-امپریالیسم نیز روشن نمائیم. هدفها است منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند و منطقه شبه قاره هند بیکس از مراکز رقابت بین دو ابر قدرت تبدیل گشته است. حکومت دست‌نشانده پهلوی می‌خواهد نشان دهد که کلیه اقداماتش و اکنون استفاده از انرژی اتمی - بمعنی بالا بردن سطح زندگی توده ها و حل تضادهای سنتسی ایران و معنی کشاندن ایران بسطح کشورهای "جلو افتاده و صنعتی" است.

تجربه کشورهای زیر نفوذ امپریالیسم و سوسیال-امپریالیسم نشان داده است که رشد صنعتی و ناموزون برخی از بخشهای تولیدی در این ممالک که با نیازهای اساسی آن کشور و مناطق خلقهای ساکن آنجا مغایرت دارد و منحصراً جوابگوی نیازهای امپریالیستی است نه تنها مشکلات موجود را حل نموده، بلکه تشدید تضادها و حدت فقر و گرسنگی و جدایی بازم بیشتر شهرها از روستاها را نیز باعث گشته است.

نمونه این نوع "رشد غیر طبیعی و تضاد با احتیاجات واقعی جوامع عقب‌نگهداشته شده را میتوان در هندوستان که از یکسو بمب اتمی میسازد و از سوی دیگر توده های مردم آنجا با وحشتناکترین نوع گرسنگی دست‌گیر می‌نمایند مشاهده نمود.

در همین ماه همین روند که ناشی از نفوذ تجاوزآمیز-یالیسم و وجود رژیم شاه است موجود می‌باشد. رژیم شاه چند راکتور هسته‌ای هم میتواند در ایران در این زمانها به علت عدم وجود زیربنای سالم و همچنین رونمای مناسب این نیز "عضو بیگانه" در بگری است که بر تالبد شکافتهای میهن ما پیوند زده میشود و مطمئناً بازم بیشتر به تشدید تضادها و ناموزونیها میانجامد. استعمار و ستم وحشیانه کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما بیکاری مزمن، گزانیهای وحشتناک، گرسنگی میلیونها زحمتکش و عدم وجود دمکراسی و یکاربرد قهرارتجایی در برابر مقاومت خلق توسط رژیم شاه عاقبت باعث انقلاب خواهد شد. وعده‌های رژیم شاه راکتورهای اتمی عربی‌ای و مونتاژهای رنگارنگ نمیتوانند جلوانقلاب را بگیرند. پرولتاریا و توده‌های میهن ما از اوضاع دیگر به ستوه آمده اند خواستار ابرائی واقعا صنعتی پیشرفته دمکراتیک و انقلابی هستند و هر روز بمقاومت متشکل خود می‌افزایند تا برای همیشه به این مضحک‌های امپریالیستی و داری خاتمه دهند.

بقیه گزارش از... و سرمای ۱۵ الی ۲۰ درجه زیر صفر و افت غیر قابل تحمل بود، کارگران اعتصابی بداخل ساختمان اداره مرکزی هجوم آوردند و طبقه هم گفداختن را اشغال نمودند. این وضع تا سه روز بهین منوال و علیرغم شرازمیرشدن عمده بشماری از ساواکی ها و سایر مامورین موسسات از جمله استانداری و اداره کار استان بکارخانه برای خواباندن اعتصاب، ادامه داشت و کارگران در طرح درخواستهای خود مصرتمیگردیدند. نگرین نکته ضروری است که کارمندان اداره مرکزی و سایر کارکنان باسکوت وی توجهی خود نسبت به اعتصابیون به مبارزه آنها لطمه وارد می‌ساختند. حتی بسیاری از آنها از تماس با رفقای اعتصابی اباداشتند. طبیعی است ایستادگی چندروزه کارگران کردانندگان کارخانه و اوباش باصلاح امنیت و غیره را که سعی وافر داشتند تهیه رابدون سرورمد افضله داده و نگذارند ایش از چارچوب کارخانه درز نموده و بگوش سایرین برسد، بهراس انداخته بود.

اعتصاب در کارخانجات تولیدی ایران "این کارخانه یکی از کارخانجات بزرگ است، که تعداد زیادی کارگردان کار میکنند، وضع کارگران در این کارخانه مانند دیگر کارخانجات خوب نیست، بویژه وضع کارگرانی که در قسمت کوره‌ای این کارخانه کار میکنند؛ آنها در عین حال که کارشان دشوار است، مزد کمی دریافت می‌دارند (پایزه تومان در روز) - کارگران از مدت‌ها قبل نسبت به این امر اعتراض داشتند و چند بار برای تغییر این وضع بطور دسته جمعی درخواستهای بمقامات مسئول ارائه داده بودند، که ترتیب اثری داده نشده بود. کارگران قسمتهای دیگر ۹ تومان در روز دریافت می‌دارند و جنبش اعتراضی در میان آنها کمترین چشم میخورد. علت آنست که یکبار کارگران بقیه قسمت (بجز کارگران کوره) نسبت بوضع بد خود اعتراض کردند ولی مسئولین کارخانه بجای جواب بد درخواستهای بحق آنان، تمام کارگران رایج جاجراج نمودند و بعد از آن کارگران جدید شدت قبل جنب و جوش ندارند.

کارگران قسمت کوره در حدود ۲۰۰ نفر هستند که نسبت کاری (شیفت) دارند. آنها اخیراً دست با اعتصاب زدند علت این امر اخراج ۱۴ نفر از کارگران قدیمی بود که مسئولین کارخانه دلیل آنرا تنهائی بی بودن کارگران اخراجی تلقی کرده بودند. و برای اینکه کارگران اعتراض نکنند مسئولین سعی داشتند با وجودی که کارگران اخراجی به کارگران جدید آنرا بافریبند. البته دلیل اصلی اخراج کارگران، اعتراض آنان بوضع دستمزدها بود. اخراج این کارگران در ۳-۳-۵۳ صورت گرفت و از همان روز کارگران بخش کوره اتم از کارگران قدیمی وجدید دست به اعتصاب زدند. آنها نه تنها خود دست از کار کشیدند بلکه مانع کار کردن کارگران قسمتهای دیگر نیز شدند. اعتصاب بعدی گسترش پیدا کرد که کارگران نوبت کاری شب را نیز در بر گرفت.

شب ۳-۳-۵۳ به درخواست روسای کارخانه ۲۰۰ سرباز ارتش به کارخانه ریختند و کارگران نوبت کاری شب که غالباً گرسنه بودند تا صبح صبر کردند و با آمدن کارگران نوبت کاری روز، بصورت یکپارچه و متحد به اعتصاب و تظاهرات ادامه دادند. کارگران به قسمتهای مختلف تاریخانه منطقه برده رئیس کارخانه را کتک زدند. تعداد زیادی از زنیها به دفتر کارخانه را شکستند و چندین سرپرست و مسئول بسختی کتک خوردند.

در جریان این تظاهرات که در مقابل تعداد زیادی از سربازان ساواکی ها انجام میگرفت حدود ۶۰ نفر از کارگران دستگیر شدند. مقامات کارخانه و مامورین سازمان امنیت که از این حرکت یکپارچه بسیار ترسیده بودند شروع به وعده و قول افزایش دستمزدها کردند و از این طریق میکوشیدند تا کارگران راساکت نموده به سرکار برگردانند ولی کارگران علاوه بر افزایش دستمزدها درخواست آزادی قوی ۶۰ نفره ققهای دستگیر شده‌ی خود را داشتند.

بالاخره مامورین مجبوره قبول درخواست کارگران شده و متحد شدند که تا صبح روز بعد همه‌ی کارگران زندانی را آزاد کنند. بعد از آن کارگران دست از تظاهرات کشیده و با اعتصاب همچنان ادامه دادند. صبح روز بعد (۸-۳-۵۳) ۶۰ نفر از کارگران دستگیر شده آزاد گردیدند ولی کارگران باز به سرکار برگشتند. این بار درخواست کارگران این بود که ۱۴ کارگری که قبلاً به علت درخواست اضافه دستمزدها اخراج شده بودند، باید بسرکار برگردند. مامورین سازمان امنیت و روسای کارخانه قول دادند که آنها را تا روز بعد بسرکار دعوت کنند و می‌خواستند که خود کارگران بنابر قول رفقای اخراجی خود رفته و آنها را بسرکار باز کرد اند ولی کارگران جواب دادند که خود شماسئول اخراج رفقای ماستید و باید آنها را بسرکار باز کرد اند.

کارگران که وعده کرده بودند تا روشن شدن سرنوشت ۱۴ نفر اخراجی سرکار برگردند متحدا تصمیم گرفتند که فردا (۹-۳-۵۳) کسی سرکار حاضر نشود. در این روز محوطه‌ی کارخانه خلوت بود و در خارج از کارخانه در چند جا اجتماعات ۷۰-۸۰ نفری کارگران دیده میشد که مشغول بحث و گفتگو بودند. از چگونگی ادامه اعتصاب اطلاعی در دست نیست، اکنون (۲۰-۳-۵۳) کارگران بسرکار برگشته اند.

نکاتی چند در حاشیه‌ی این اعتصاب و تظاهرات: - در میان دستگیر شدگان تعدادی از سرکارگران بخشهای مختلف دیده میشوند. - از زبان یکی از کارگران اعتصابی شنیده میشود "رئیس کارخانه با دولت هندست است و به سربازان و رئیس آنها پول میدهد تا آنها شب و روز در کارخانه باشند... وقتی که سربازان ریختند جلوی ما، خیال کردند ما از آنها صامی ترسیم... ولی ما کاری را که میخواستیم انجام دادیم."

مطلبی که در این شماره در مورد کارمندان و زانخانه‌ها صادق است نه کارگران، مخالفت شد و همان دستمزدها اقل های کارگران نیز بهانه اینکه باید مورد بررسی قرارگیرد پاسخ داده نشد. شکست اعتصاب اخیر و روحیه کارگران کارخانه ماشین سازی که تنها متزلزل و ضعیف نمود، بلکه ماهیت کارفرما و رژیم پشیمان او را یکبار دیگر به کارگران نشان داد. آنها بدون شک برای اقدام اساسی ترو حجابگرانه ترو تا ترک بیشتر آماده میشوند تا بابت نتیجه گیری از اشتباهات گذشته، اقدامات موثرتری را در آینده انجام داده و گامی بلند تر در جهت تامین حقوق حقه خود بردارند."

و همچنین اضافه کرد: "سربازان تصویری کردند که صامی و مسلح هستیم". - در جریان اعتصاب عده‌ای از سربازان با کارگران به درددل پرداختند. سربازان در ضمن درددل گفتند: "ما در وقتیکه ساعت ۳ بعد از نیمه شب، ما را مسلح اعزام محل نامعلومی کردند خیال میکردیم ما را از بند بفرمایند و از این امر بسیار نگران بودیم."

- سازمان امنیتی هاهم به چاپلوسی پرداخته و تلاش داشتند خود را مانند سربازان با کارگران هم در دشمنان دهند. ولی کارگران فریب ظاهر آنها را نمی‌خورند و قاطعانه دست برد بسینه‌ی آنها می‌زنند. - داخل و خارج کارخانه در اشغال و محاصره سر-بازان بود و آنها تفنگ های خود را سردست داشتند. - در این روز گزارش، با وجود عدم موفقیت اعتصاب در کارخانه ماشین سازی تبریز و روشن نبودن نتیجه مبارزات کارگران در کارخانجات تولیدی ایران، آنچه که بطور برجسته و بارزینی هرچه بیشتر چشم میخورد، روحیه مبارزه جویانه کارگران از یک سو و دشمنی کارفرمایان رژیم از سوی دیگر است. این گزارشات منعکس کننده این حقیقت اند که در بین کارگران میهن ما روحیه همبستگی و وحدت طبقاتی موجود است و علیرغم فشارها و اخلا لگربهای رژیم کارفرمایان متحد امت و مبارزه می نمایند و آمادگی برای کسب حقوق حقه خویش، در آنها بسیار است. این گزارشات همچنین نشان میدهند، رژیم منفرجه پهلوی تنها بدان حد از مبارزات طبقه کارگر کوشش دارد که بمنظور مقابله با یک اعتصاب اقتصادی، از هر طریق و هر وسیله‌ای استفاده میکند. در عین حال نتایج مبارزات و اعتراضات کارگران ماشین سازی تبریز و کارخانجات تولیدی ایران با دیگر ثبات نمودند که مبارزات کارگران هراندازه شدید و آکنده از روحیه مقاومت و دلوری باشد، با زهم به علت عدم وجود حزب کمونیست، و رهبری متمرکز و واحد، امکان رشد آنها به سطح آگاهی سوسیالیستی و مبارزه سیاسی بخاطر سرنگون نمودن رژیم حاکم موجود نیست.

این اعتصابات و دیگر مبارزات طبقه کارگر در ایران در حال حاضر جو بیارهایی هستند که عمدتاً بدون انقلاب ایران امکان بهم پیوستن این جویبارها نیست. بنابراین وظیفه‌ی سازمانها و گروههای مارکسیستی لنینیستی است که با شرکت در مبارزات توده‌های مارکسیسم لنینیسم اندیشه‌مآوئست و در میان کارگران و دهقانان برده در جهت پیوند با مبارزات توده‌ای زحمتکشان گام برداشته و کارگران و دهقانان را بمبارزات سیاسی و هدایت صحیح مبارزات آنها را در برنامه کار خود قرار دهند. تنها در صورت پیوند با جنبش کارگران و دهقانان، وحدت اصولی مارکسیست لنینیستی و ایجاد حزب کمونیست است که میتواند مبارزات پرآکنده امروزی متمرکز گردیده، تحت رهبری واحد درآمده و در راه سرنگونی رژیم ارتجاعی کثونی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق پیروزمندانه به پیش رود.

پیش‌سوی پیوند با جنبش های توده‌ای! پیش‌سوی وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستی! پیش‌سوی ایجاد حزب کمونیست!

جهان سوم و ابر قدرت

انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور اردیبهشت ۱۳۵۳ منتشر شد، از ما بخواهید

نشانی توده و ستاره سرخ MME PAOLA DI CORI C. P. 493 S. SILVESTRO ROMA ITALY

به پیشوا از جنبش رزمنده کارگران رویم!

بقیه گوشه‌های از...

داشتند بزور وارد شوند تک زند... در همین گسزارش همچنین میخوانیم: "قبلا وزارت تعاون و امور روستاها مأمورین خود را برای لوله کشی آب و ساختن مستراح و حمام به بعضی از دهات میفرستاد، ولی از موقعیکه طرح شهرک سازی بمیان آمده است، هیچ فعالیتی در این زمینه انجام نمیگیرد و حتی در مواردیکه روستائیان خود مبالغه لازم را جمع آوری کرده اند به آنها اجازه فعالیت ساختمانی داده نمیشود."

دولت تصمیم دارد در یکی از دهات خمین بنام شهابیه شهرک نمونه بسازد. این ده متعلق به شهاب خسروانی است که یکی از ثروتمندان بنام است و محل سکونت او در تهران، در یکی از آپارتمانهای لوکس هتل اویس است. از تازمه معلوم این فرد دوست نزدیک شاه است. بعد از اصلاحات ارضی این فرد بکلی مکانیزه کردن زراعت توانست تمام اراضی خود را نگاه دارد. بقاری این عمل او فقط برای نگهداشتن زمین هان بوده بلکه فعالانه در جهت بالا بردن سطح کشت و مکانیزه کردن آن اقدام کرد. حتی برای بهبود و پیشرفت کار، کارشناسی اسرائیلی استخدام کرد، که البته بعلاوه رفتار بد کارشناس مزبور در دهقانان، مجبور شد عذر را بخواهد. روستائیان که بیابصورت کارگر روزمزد یا بصورت مزد سبمی برای او کار میکنند بعد از ورود مأمورین و کارشناسان اصلاحات ارضی بمنظور ایجاد شهرک، از طریق انتخاب نمایندگان از بین خود به وزارت تعاون و امور روستاها رفته و شکایت کرده اند که در آنها مشمول "اصلاحات ارضی" میشود. هنوز آنها جواب داده نشده است و انتظار می رود که به آنها پیشنهاد شود، از آنجا که زمین آن ده قابل تقسیم نیست به آنها زمین در مناطق دیگر (معمولا در نقاط دور افتاده خراسان و بلوچستان که زمین هانا مرغوب و کم آبی می باشد) داده خواهد شد، که البته با توجه به نمونه های گذشته کشاورزان بعلاوه عدم آشنائی به مناطق دیگر و مشکل بودن ترک سرزمین هایشان، با آن پیشنهادات مخالفت خواهند کرد.

در نمونه فوق الذکر مشاهده میکنیم چگونه عناصر بیگانه با زندگی و طرز معیشتی دهقانان که در این سالها در روستاهای ایران پایا ن بوده اند - از قبیل شعبات بانکی، بنگاههای تعاونی، موسسات ارتشی و غیره و اخیرا مأموران شهرک ساز - عملا مشکلات فراوان دیگری برای دهقانان علاوه بر آنچه قبلا داشته اند، فراهم آورده است. بوروکراسی عریض و طویل وانگلی اهدائی از جانب رژیم در روستاها رفته رفته ماهیت سیاه واقعی خود را برملا میسازد و دهقانان بی میرند کلیه این دستگاهها ساقطی است برای بهره کشی بیشتر بخشی از آنان و بی خانمان نمودن و بیگاری برای بخش دیگر و بی معین ملت، احساس بیگانگی اولیه آنان نسبت به بوروکراسی وار شده در دهات، با گذشت زمان جاسی خود را به مبارزه و مقاومت در برابر مأموران دولتی میدهد.

در همین حال دهقانان در برائتیک روزمره خود متوجه میگرددند کلیه قول و قرارهای رژیم کاملا دروغین بوده و هدفی جز فریب آنها نداشته است.

از جانب دیگر نمونه شهاب خسروانی که در بالا ذکر شد استثنائی نیست، شواهد دیگری نشان میدهد، عمده زیادی از مالکان زمین های خود و بنا بر این قدرت سیاسی و اقتصادی خود را بطریق حتی کیف ترد دیگری همچنان حفظ نموده اند. در این باره به گزارش زیر توجه کنید: "در مرحله اول اصلاحات ارضی شاه به وزیر وقت - ارسنجانی - دستور داد که املاک بزرگان پناه (آجودان رضاشاه و خود شاه) را اصلا تقسیم نکنند و این دستور اجرا شد. و نتیجه بزرگان پناه مرد، چندی پیش فرزندان او برای انحصار زراعت خواستند، املاک را بین خود تقسیم کنند. (این املاک در نواحی گرگان اند) ولی دهقانان از دادن زمین خود داری کردند و اجازه بهره برداری از زمین راندادند. کارهای مقدماتی بزرگان پناه هان نتیجه ای نداد و دهقانان همه با هم قرار داد کردند که هیچ وجه زمین هارا نکند ار نکنند. منطقشان هم این بود که ایسن زمین هاشامل مواد "اصلاحات ارضی" میگردد و بنا بر این باید از دست مالک خارج گردد. ورنه بزرگان پناه هم ادعا میکردند که دستور شاه اینست که زمین هارا آن آنهاست بالاخره کار با لاکرت و شاه رجوع کردند. از قرار معلوم در صحبتی که با پسر بزرگان پناه کرده است با او گفته که چون دهقانان را کاری نیست و کرد، در عرض دستور میدهم هم از املاک پهلوی (بنابر این برخلاف ادعاهای شاه هنوز املاک پهلوی! موجودند - ستاره سرخ -) بشما داده خواهد شد."

بقیه از سن انقلابی...

و رهبری نمود و تنها بعد از در هم پاشیدگی کمیته مرکزی، در نیاله قانون ننگین ضد کمونیستی ۱۷ خرداد ۱۳۱۰، متلاشی گشت. حقانیت حزب کمونیست ایران را که علیه غم مشکلات فراوان عینی و ذهنی، قادر گشت همواره بمتابه حزبی واقعا انقلابی و بلشویک در اس مبارزات پرولتاریا و زحمتکشان میهن مافرا گیرد باید در درجه اول در موضع گیری طبقاتی و انگار هدایت کننده روشن حزب جستجو کنیم. حزب کمونیست ایران در سرتاسر حریات پرافتخار خویش مرزین منافع پرولتاریا و منافع دیگر طبقات را مخدوش ننمود و پرچم سرخ مارکسیسم انقلابی را بر زمین نگذاشت. این باعث گردید تا حزب قادر گردد به درکی صحیح از ساخت جامعه ایران، از تضاد عمده و ارتفادهای اساسی آن و از جنگی صف بندی طبقاتی در اردوگاه دوست و دشمن، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، رسیده و بر اساس ارزیابی درست از اوضاع اقتصادی - سیاسی - فرهنگی ایران، خط مشی سیاسی منطبق بر عینیات و احتیاجات جامعه ایران را عرضه دهد. تاکید بروی نقش قهر در سرنگونی سلطه ارتجاعیون، درک درست از مرحله انقلاب ایران - مرحله انقلاب دمکراتیک - ملو - و لزوم بیایان رسانیدن آن مرحله قبل از ورود به مرحله انقلاب سوسیالیستی، تشخیص صحیح نیروی عمده انقلاب ایران - دهقانان - و نیروهای محرکه، انقلاب در کشور ما - کارگران و دهقانان، بورژوازی ملی و خروده بورژوازی - و نیز لزوم اتحاد بین کارگران و دهقانان از زمره مقلوبانی اند که حزب کمونیست ایران را در صف آن بخشی از احزاب کمونیستی خاور زمین قرار میدهد که با درایت عمیق پرولتاریائی به دعوت لنین در کنگره احزاب کمونیست خاور، جواب مثبت داده است.

حزب کمونیست ایران نمونه بارز از یک حزب کمونیست تمام عیار است و اگر چه در نتیجه برخی کمبودها - که عمده ترین آن عدم توجه لازم به پایگاه های روستائی - و گدائیدن مبارزه طبقاتی بنطاق روستائی بود - تحت حملات وحشیانه ارتجاع سیاه رضاخانی متلاشی گشت ولی آموزش ها و سنت های باقی مانده از این حزب کبیر باعث افتخار پرولتاریائی میهن ماست و تأسیس آن در ۴۰ سال پیش نقطه عطفیست در تاریخ مبارزات هفتاد ساله پرولتاریائی انقلابی میهن ما.

کمونیست های میهن ما امروز با فرار شدن پرچم سرخ سنن انقلابی آن حزب کبیر استوارانه در راه ایجاد حزب طراز نویسن طبقه کارگر از طریق پیوند با کارگران و دهقانان و مبارزات توده های و وحدت بین مارکسیست - لنینیست ها پیش میروند.

زنده باد سنن انقلابی حزب پرافتخار کمونیست ایران!

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!

بقیه آخرین دفاعیات مفیدی...

برادران دلیر ما صادر شده است و بن نیز از سر نوشت خود آگاهم ولی همانطور که سید انبیا (ع) بدشمن خود اتمام حجت کرد به شما میگویم:

و آن لم یکن لکم دین فکونوا حرا فی دینکم (اگر دین ندارید لا اقل در این جهان مردمی آزاده باشید.) آنچه باید در پایان اضافه کنم اعتقاد عمیق ما به پایان رنج ها، در بخش مجدد خورشید از این ابرهای تیره و تاریک آزادی ایران فردا و به پیروزی انقلاب مسلحانه توده ای است. کلماتی که بر زبان یک محکوم به اعدام جاری میشود با آسانه و تمثیل متفاوت است هر کس در چنین شرایطی قرار گرفته و با گامهای تیزه جانب جوخه اعدام رفته باشد درک میکند که انسان در این شرایط باید عمیقاً واقع بین حقیقت گرا باشد این امید بزرگ جوشش یک واقعیست جهانی را مشمول است. کدر عمق یک مجاهد راه حق جا گرفته و سازنده و عظمت و شکوه لایتناهی مسیر آفریننده راه توده هاست من در چنین لحظه های که چند صبحگاه دیگر به قلم شلیک خواهد شد غریب پیروزی محترم انقلاب مسلحانه توده ای را دریافت نمودم آخرین لحظات به ملت قهرمان، تهنیت میکنم. چرا که مامعتنم هم هر کس در پیچه ای است که بروی تپاهی های بسته میشود، پس با توجه به کبابی انقلابی که در دو سال اخیر در این میهن رخ داده می ترسد میتوان حکم نمود که دستا خیز عظیم ملت ایران آغاز شده و همچنان تا پیروزی ادامه خواهد یافت.

در رود بخلق قهرمان ایران، مرک بر امیرالایم آمریکا و رژیم مست نشاند هاش. زنده باد همبستگی مبارزان خلق ایران و فلسطین و همه خلقهای مبارز دیگر. برقرار باد وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در میدان عمل!

ستاره سرخ و خوانندگان

نامه ای از یک دوست دریافت داشته ایم که در آن مختصری درباره آشنائی خود با فردی که از ایران می شناسد توضیح داده و به بعضی مسایل امنیتی در این رابطه اشاره کرده است.

ستاره سرخ - در ضمن قدر دانی از خدمت انقلابی تو یاد آور میشویم که تذکرات تو را احتما مورد توجه قرار خوا هییم.

دوست مبارزی طی چندین نامه مارا در پیشبرد بهتر وظایفمان و در بهبودی بخشیدن وضع توزیعی "ستاره سرخ" یاری بخشیده است. بدینوسیله نهایت تشکر خود را از تو باریز داشته و موفقیت بیشتر تو را در امر خدمت بخلق خواهانیم. در نامه ای از تو از جمله میخوانیم:

"در شماره ۳۳ صفحه دوم قسمت پائین ستون اول نوشته اید - مبارزه با گروهی گراشی اگر بناسم موثری پیش رود شرکت فعال... چرا از کلمات "اگر بناسم" استفاد شده؟ این بنظر من صحیح نیست. بایستی بصورت دیگر نوشته میشد. مثلا - مبارزه با گروهی گراشی میبایستی بطور فعال و موثری پیش رود و شرکت فعال... زیرا ما در اینجا از مبارزه صحبت میکنیم وقتی از مبارزه صحبت میشود یعنی تاکید میکنیم، اصرا میکنیم، دنبال میکنیم و ایسن هدف ماست، نه اینکه "اگر بناسم"...

در قسمت دیگری نوشته ای: "آرم" "ستاره سرخ" درشت است و کافی است بد رشتی سایر تیرها آورده شود. زیرا ۱- قسمت زیاد ای از صفحه نشریه را برای مطالب دیگر خیره میکند. ۲- از نظر اقتصاد ای (مرکب چاپ) صرفه جویی میکند. ۳- از نظر محتاط کاری از فواصل بسیار دور خواننده نمیشود. زیرا در مرحله اول محتوی نشریه مهم است که خوشبختانه نظریه پیش نهاد رهنسده و خیلی از دوستان را تائین میکند."

ستاره سرخ - در مورد مسئله اول نظرتو درست میبود اگر ما قبلا در مقاله مبارزه با گروهی گراشی را بعنوان وظیفه ای در برابر خود بر نمیشمردیم، در حالیکه ما از چند سطح بالا تر که در این مورد صحبت کرده ایم آنرا بعنوان وظیفه ۴

بقیه اخلاق کمونیستی...

و احتما جامعه ای پیش رونده ما را طرد خواهد کرد. تنها باید رسه رفتن و شرکت در دوره های تربیتی نیست که خواهیم توانست آموزش دیده، تربیت شده و نوسازی نمائیم. در هر فعالیت انقلابی ما میتوانیم و باید آموزش و نوسازی کنیم. فعالیت های مخفی انقلابی قیام عمومی، جنگ مقاومت، در حال حاضر ساختمان سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای وحدت ملی، مدارس بسیار خوبی هستند که در آن میتوانیم خصوصیات انقلابی کسب نمائیم.

افرادی که دارای خصوصیات انقلابی هستند، از مشکلات گرفتار بپاوشکت هاهراسند دارند. آنها نه تزلزل دارند و نه بعقب بر میگردند. آنها برای فدا کردن منافع خصوصی خود در راه منافع حزب، انقلاب، طبقه، ملت و بشریت هیچوقت تردیدی بخود راه نمیدهند.

آنها اگر احتیاج باشد حتی جان خود را در این راه نثار میکنند. این است بیان بسیار روشن و عالی اصول اخلاقی انقلابی...

بطور مختصر اصول اخلاق انقلابی عبارتند از: - وقتا زندگی خود بخاطر مبارزه در راه حزب و انقلاب این اساسی ترین نکته است. - بطور خستگی ناپذیر در خدمت حزب کارگران، به انضباط احترام گذاشتن و خط مشی و سیاست های حزب را بکار بستن.

- منافع حزب و مردم زحمتکش را قبل و بالاتر از منافع خود قرار دادن. صمیمانه به خلق خدمت کردن. بدون خود خواهی در راه حزب و خلق مبارزه کردن و در کلبه ای زمینه هان نمونه بودن.

- در آموزش مارکسیسم - لنینیسم سخت کوشیدن و بطور مداوم انتقاد و انتقاد از خود را برای بالا بردن سطح ایدئولوژیک خود بکار بستن. کار خود را هر چه بهتر انجام دادن و همراه رفقای خود پیش رفتن...

فرد انقلابی باید بطور روشن این را درک و اجرا نماید و بایستوستن استوارانه به موضع طبقه ای کارگر از این طریق بتواند با تمام قلب بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم، بخاطر طبقه ای کارگر و تمام مردم زحمتکش مبارزه کند. اخلاق انقلابی عبارت از وفاداری مطلق به حزب و خلق است.

در جلوی خود قرار دادیم و کوشیدیم و میکوشیم که تا حد امکان خود نیز آترابه پیش ببریم. اما سازمان مافقط یک جانب قضیه است و سوی دیگر اسایر سازمانها و گروه های مارکسیستی - لنینیستی تشکیل میدهند و در آنجا خطاب ما به آنها بوده است که میبایست این مبارزه راهمگی به پیش ببریم تا کاملا موثر واقع گیرد. در مورد نظردوم تو با اینکه از ده های از خوانندگان خود نظریاتی مخالف یا مشابه بانظرتو دریافت کرده ایم ولی این نظرات هنوز در سطحی نیست که آتراکافی بدانیم. بهرحال با در نظر گرفتن نظریه تو اسایر خوانندگان که بدینوسیله تقاضای مجدد نظردهی از آنها را میمائیم، در آینده باز هم این مسئله را بررسی خواهیم نمود.

دوستی بعد از یک مسافرت به وطن، گزارشهای از گفتگوهای خود با چندین تن از مبارزین تهیه نموده که در ذیل قسمت هائی از آنرا چاپ می نمائیم: (بخشهای از نامه راه نیارود ه ایم بعلاوه لزوم رعایت امر مخفی کاری است.)

"با دانشجوئی نشستیم داشتیم صحبت خود را پیرا مون یک تظاهرات که... بوقوع پیوسته بود شروع کردیم. او پس از آنکه وقایع اینطور شروع کرد: ما بدوئی آگاه هستیم که رژیم حتی قادر نیست به کوچکترین خواسته های ما پاسخ دهد... و دانشگاه تهران امثال میزد و در آخر چیزی که از نظر او کمبود در مبارزات است، فقدان تشکیلات را یاد آور میشد."

در بخش دیگری از گزارش از قول یک روشنفکر متعهد می خوانیم: "... در مورد سایرین یعنی اکثریت هنرمندان متعهد، باشکتهای متعدد و جمعیند ای از مبارزات گذشته باین نتیجه رسیده اند که باید بیان اجتماع رفت و... البته بعنوان بخشی از کارود یکرا اینکه باین مبارزات پراکنده خاتمه داد و در جبهه ای متحد شد... و ضمن گفتگو با کارگر برام گفتند: ما زور کوش نمیکنیم و چند نمونه تظاهرات خود را علیه مزد کم، تعطیلی بدون حقوق و طبقه بندی مشاغل، که هر بار با موفقیت تمام شده اضافه کردند که با برنامه ریزی قبلی همگی به دفتر کارخانه رفتیم و رئیس کمپانی را تک زدیم. من برای آنها کفتم مواظب نمایند خود باشید. بمن جواب دادند ما به تراز یکران نماینده خود را تشخیص میدیم که طرف ماست یا نه. چیزی که برای من جالب بود گفتن این مطلب از طرف آنها بود که تاروزی که همه کارگران یکی نشوند کار درست نمیشود و تنگه جالب دیگر اینکه گفتند این هزار فاقیل باعث بدبختی های ما است."

"نستند دیگری یک مبارز استم که بحق میتوان گفت یک مارکسیست - لنینیست تمام عیار و تمام زندگی خود را در این راه گذاشته، تحلیل جامع و ارزشمندی از جامعه ما میداد و در تمام طول صحبتش میگفت: از نظر تشریحی جنبش ضعیف است و وحدت آنچنانی میان مبارزین نیست و تشکیلات رهبری کننده نداریم. در پیرامون هنرمندان اضافه میکرد که بعضی از آنها هنوز تصمیم نگرفته اند و به اینکه توده هاسازندگی دارند هنوز متزلزل هستند و از یک سری وابستگی هایشان نمیتوانند کاملا بگردند. در تحلیلی که از جامعه بدست میداد میگفت ایران جامعه ایست بینابینی که در آن تضاد اساسی وجود دارد از یکسویا امپریالیسم و از سوی دیگر با فواید ایسم که اینها همچنین در سطح فرهنگی موثرند. در زمینه فرهنگی اضافه میکرد با توجه به مرحله کنونی - مرحله انقلاب دمکراتیک نوین - هیچوقت نباید آند و تضاد اساسی را از نظر برداشت و تضاد های درون خلقی فری اند و نباید باعث فراموش شدن تضاد عمده کرد. این را رژیم میخواهد." یک زندانی سیاسی آزاد شده این طور شروع کرد که محیط زندان محیطی است سرشار از مبارزه و گروهی نیست که در این جانبست به پیرو بپاوشکتها فکرنکند و بیک جمعیندی نرسد و بروی اشتباهات خود پافشاری کند. با بحث های جمعی شناخت تئوری خود را افزایش میدهند و حتی شیوه های خود را عرض میکنند، شیوه خود را عرض میکنند نه راه خود را که مبارزه با ظلم و ستامست. "بارغیب دیگری صحبت را در باره جنبش خارج از کشور شروع کردیم. صحبت خود را پیرامون تظاهرات اخیر کفدراسیون و اشغال سفارت که کاملا از جزئیات آن خبر داشت، ادامه دادیم... و در آخر با اهمیت کفدراسیون اشاره کرد."

این قطعه ها هر چند مختصر ولی باندازه کافی گویا هستند و احتیاجی به توضیح و تفسیر ندارند. ما از خوانندگان خود خواستاریم با حفظ کامل و دقیق مخفی کاری از فرصت های مختلف، در هنگام بازگشت به میهن، استفاده نموده و اطلاعات و اخبار مع آوری نموده و در اختیار جنبش مبارزاتی خارج از کشور گردانند.

دوست مبارزی طی چندین نامه مارا در پیشبرد بهتر وظایفمان و در بهبودی بخشیدن وضع توزیعی "ستاره سرخ" یاری بخشیده است. بدینوسیله نهایت تشکر خود را از تو باریز داشته و موفقیت بیشتر تو را در امر خدمت بخلق خواهانیم. در نامه ای از تو از جمله میخوانیم:

"در شماره ۳۳ صفحه دوم قسمت پائین ستون اول نوشته اید - مبارزه با گروهی گراشی اگر بناسم موثری پیش رود شرکت فعال... چرا از کلمات "اگر بناسم" استفاد شده؟ این بنظر من صحیح نیست. بایستی بصورت دیگر نوشته میشد. مثلا - مبارزه با گروهی گراشی میبایستی بطور فعال و موثری پیش رود و شرکت فعال... زیرا ما در اینجا از مبارزه صحبت میکنیم وقتی از مبارزه صحبت میشود یعنی تاکید میکنیم، اصرا میکنیم، دنبال میکنیم و ایسن هدف ماست، نه اینکه "اگر بناسم"...

در قسمت دیگری نوشته ای: "آرم" "ستاره سرخ" درشت است و کافی است بد رشتی سایر تیرها آورده شود. زیرا ۱- قسمت زیاد ای از صفحه نشریه را برای مطالب دیگر خیره میکند. ۲- از نظر اقتصاد ای (مرکب چاپ) صرفه جویی میکند. ۳- از نظر محتاط کاری از فواصل بسیار دور خواننده نمیشود. زیرا در مرحله اول محتوی نشریه مهم است که خوشبختانه نظریه پیش نهاد رهنسده و خیلی از دوستان را تائین میکند."

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران

آخرین دفاعیات مفیدی

سپس در فاع از لزوم مبارزه قهرآمیز در قاطع رفرمیسم و انواع گوناگون سازش‌طلبی، چنین به دفاعیات خود ادامه داد:

"بدین ترتیب خلق‌ها به عنوان تنها و تنها راه آزادی‌ی ساخت بدست میگیرند تا با آغاز نبرد مسلحانه به اسارت خود پایان دهند. زیرا سازش‌طلبی یا نبرد هیچ رابطه دیگری میان خلق و دشمن وجود ندارد... اینطور بود که بعد از مدتی فعالیت‌های سیاسی پراکنده، تحقیقات مدون زیادی آغاز نمودم و به این نتیجه رسیدم که یگانه راهی که به منظور پیشبرد هدفم وجود دارد همان نبرد مسلحانه است و بس. مضافاً اینک که با اصول و مبانی ایدئولوژیکی که بدان اعتقاد داشتم نمی توانستم تسلیم وضع موجود شده و برای فراه خود به هرگونه زندگی تن دردم و بی اراده تا شاگرد استرگراحم باشم بنابراین این دلایل بود که نبرد مسلحانه بود برای راتنها راه نجات دانسته و لذا به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته و در نهایت افتخار در رگزارزندگان دلیری نظیر احمد و مهدی رضائی به جهاد پرداختم. مردم قهرمان ماهرگز خاطره مجاهدین شهید، محمدحسین نژاد، سعید حسن اصغریدیع زادگان را که بنیان گذاران این گروه بودند فراموش نخواهند کرد. بدیهی است که کلیه این عملیات و سایر عملیات جنبش چریکی تماماً در مسیر انهدام نهائی دشمن از طریق جنگ توده‌ای است، والا باقی کلیه روشهای رفرمیستی و سازشکارانه هیچ اعتقادی به درگیری با عوامل رونیائی نداریم و این نبردی است که تا محو کامل بهره کشی انسان از انسان ادامه خواهد یافت. ناآنگاه که باطل به تمامی از سر راه فرزندان انسان برداشته و نابود شود؟"

محمد مفیدی مبارز شهید، بار د صلاحیت دادگاه فرمایشی شاه در قضاوت در مورد انقلابیون گفت:
"براستی وقتی مبارزان جان برکف ولایتی تهرین"

بردن علت فایده ندارد. از این پس بزرگ مطالعه و تفکر منظم و مدون بی بر دم. این مطالعات مرا به لزوم یک جهانبینی علمی و انقلابی واقف نمود."

محمد مفیدی شهید در توضیح وضع اسفناک زحمت کشان در ایران و ظلم و ستمی که دستگاه حاکمه و امپریالیسم بر خلقهای در بند ایران اعمال میکند، افزود:

قبلاً در همین دادگاه های فرمایشی در حالی که برادران من برصندلی اعدام نشسته بودند بقدر کافی همه چیز را در مورد فساد رژیم حاکم و فقر و ستم زدگی و محرومیت توده های مردم بازگو کرد و باینکه در خیانت آریامهر با انواع شکنجه و تهدید از انتشار و بخش مطالب سری دادگاههای نظامی جلوگیری میکنند لیکن خوشبختانه ملت قهرمان هوشیار تر از آنست که نداند در پس این درهای بسته چه میگردد و چه گفته میشود. براستی چگونه میتوان ساکت نشست و مبارزه نکرد در حالیکه هموطنان مادر بسیاری از نقاط کشور بعلت قحطی و فقدان مواد غذایی آب و علف میخورند و همه میدانند که ترکمن صحرا مرکزی است برای هموطنانیکه از شدت تنگدستی و فقر همه چیز خود را رها کرده و به آنجا کوچ کرده اند. یکی از برادران ماتهریف میگردد خود فروشی یک دختر روستائی را در جنوب شهر بیه قیمت پنجاه تومان توسط پدرش مشاهده کرده است. نباید تصور کرد که فروشنده احساسات و مهربانی را فاقد است بلکه مسئله اصلی شدت فقر و تنگدستی کشنده است که او را وادار میکند دختری را که نمیتواند نان و پوشاک دهد بفروشد. راستی کشور ما در شمار بزرگترین صادرکنندگان نفت است و امپریالیستها هر سال میلیونها تن از نفت ما را غارت میکنند. چقدر میتوان ساکت بود و مبارزه نکرد. در حالیکه قیمت نفت در روستاهای کشور تا چندین برابر قیمت رسمی آن میرسد و همه ساله تمداد کثیری از هم میهنان ما در اثر سرما تلف میشوند..."

فرزند آن خلق ماکه انواع شکنجه ها را در راه آرمان خود تحمل کرده و برچوبه اعدام بوسه میزنند در تبلیغات مزدورانه عوامل بیگانه خطاب میشوند. رژیم در قاموس کلمات و از گوته خود از آنجا که نقطه مقابل آنهاست حق دارد خود را مستقل ملی بخواند در چنین شرائطی علی رغم آنکه در نیاب خفقان و استبداد حاکم بر ایران و محاکمات فرمایشی و به دادگاهها نظامی در ستم اعتراض میکند، طبیعی است که شما این دادگاه راصالح بدانید.

در خانه مفیدی قهرمان باروشنی هرچه بیشتر توطئه های ضد خلقی رژیم رامینی بر تفرقه افکی و جدائی اندازی بین صفوف خلق را برملا ساخت و با شجاعت بی نظیری کسه شایسته یک انقلابی واقعی است، بی هراس از حکم اعدای که درباره او صادر میکنند و با عشق فراوان نسبت به خلق و کینه و نفرت عمیق به دشمنان او، چنین گفت:
"رژیم دست نشاندۀ با علم کردن کمونیزم و مارکسیسم سعی میکند از کمی اطلاع بعضی از مردم به مارکسیستها و همچنین مجاهدین استفاده کرده و از همان رانسیبت به ماشوب کند. حقیقت این است که رژیم نه دلش برای اسلام سوخته و نه در فکر مارکسیسم است. بلکه از وحدت نیروهای مبارز رسیدن عمل و حشمت دارد. و مثل سال ۳۲ سعی دارد هر طور شده برای نجات خویش گروههای مبارز را از هم جدا کرده و تفرقه بیندازد. زهی خیال خام و باطل که انقلابیون ایران چه مجاهد و چه چریک فدائی چه سایر گروه های پیشتاز هشیار تر از اینها هستند و بخوبی از تاریخ گذشته پند گرفته اند. ما با هم شکنجه شد و با هم اعدام میشویم بخوبی موضع مشترکمان را در برابر دشمن احساس میسیم خون از بدن یله خلق می ریزد و یک سرزمین را رنگین میشد و قلبمان برای یک میهن می طپد."

بیش از این من این دادگاه راصالح برای سخن گفتن نمیدانم چرا که سخنان حداقل مضمم را برای دفاع از خود شن ناریده میگردد. باید توضیح دهم که میدانم این دادگاه نیز مانند سایر دادگاه های فرمایشی است که در آن حکم اعدام بقیه در صفحه ۳

گوشه‌ای از وضع روستاها

به ماهیت طبقاتی حکومت ارتجاعی شاه توجه نمائیم. منافع طبقات و اقشاری که امروزه بر میهن ما حکومت میکنند با منافع زحمتکشان ایران و بنا بر این با منافع زحمت کشان روستائین در تضاد است. کمپرادورها، بورژوازیها مالکان ارضی و نماینده آنان شاه، برای حفظ سلطه ننگین خود وسیستم بهره کشی موجود، محتاج حفظ وسط و توسعه فقر طبقات را قشار زیر ستم در ایران میباشند. چنین فقری، پایتین ماندن سطح ارزش نیروی کار را برایشان تضمین می نماید و نیروی بزرگی که قادر به تولید ارزش اضافی کلانی است را برایشان ذخیره می نماید، ما محتاج ارتستن شان را بر آورده میسازد... و بالاخره آنها را با بان بین المللی شان خواهند توانست چند صیاحی دیگر به زندگانی کثیف خود ادامه دهند. کلیه این حقایق را در برآوردند که این طبقات و اقشار ارتجاعی ماهیتا قدرتی و خنجر انداخته بود، مسایل و مشکلات طبقاتی زحمتکش شهر و راحل نمایند و در جهت منافع آنان قدمی بردارند و هر عمل تازه ای از جانب آنان منجر به تشدید و حثت بخشیدن باز هم بیشتر تضادها موجود میگردد و در رشته رشته شرایط انفجاری را بوجود میآورد که پایه و اساس حکومت جباران را با خطر می اندازد، و بهمین علت "اقدامات و اصلاحات" قلابی و تبلیغات عریض و طویل درباره هر یک از آنها در عین حال کوشش های مذبحخانه ای است در جهت تخفیف شدت تضادها و مرهم گزاردن بر روی زخم های عمیق جامعه از سیستم بهره کشی جاری.

اخیرا با زخم ورق پاره های رژیم زبیشرفت های عمرانی و اصلاحی در روستاها سخن میرانند، "شهرک سازی را علم نموده اند و از توسعه بخش های تعاونی روستائی دم میزنند. ما نیز چندین گزارش از وضع روستاها در ایران که نشان دهنده گوشه‌ای از حقایق و نیز با زنگ کهنه مبارزه و مقاومت دهقانان ایرانی در مقابل اجحافات جدید و قدیم رژیم است، در یافت نموده ایم که در ذیل قسمت هائی از آنها را میآوریم:
"بدنیا ل تصمیم رژیم در مورد ادغام روستاها و ایجاد شهرک های جدید و جمع و جور کردن روستائیان در این شهرک ها عملیاتی در این زمینه از طرف رژیم شروع شده است. در روستای - جاده سیاران - از توابع اراک دهقانان با بیابلی و گنگ از ورود ماموران وزارت تعاون و امور روستا که برای نقشه برداری جهت ساختن شهرک به آنجا رفته بودند جلوگیری کردند و درختی و درختان ماموران را که قصد ادامه دارد. برای درک علل آن باید قبل از هر چیزی

سالهاست حکومت ارتجاعی محمد رضا پهلوی تبلیغات در زمین و گوش خراشی در اطراف "اقدامات" و "اصلاحات" برای بهبودی بخشیدن وضع روستاهای ایران و برای حل مشکلات و مشکلات سنتی روستائینان برانداخته است. رژیم بعد از اجازت گرفتن مواد "اصلاحات ارضی" سه دوره ای به اعدای دیگر در جهت تکمیل تصمیمات قبلی اش نمود، ولی هر بار وضع زندگی زحمتکشان روستائی بر مراتب از قبیل وخیم تر گردید. در خاتمه دوران سوم فرمهای فرمایشی، شاه و ولیان و نیز اصلاحاتیش، ادعا نمودند "دیگر دهقانی در ایران وجود ندارد که صاحب زمین و صاحب نسق نگشته باشد". اما طبق همان آمار و ارقام گاذب که رژیم در آن باره منتشر نمود معلوم گشت بیش از یک سوم از دهقانان همچنان بدین زمین مانده اند و هیچ یک از مواد "اصلاحات" شاملشان نگردیده است. اکثریت آن بخش از دهقانانی نیز که قطعه زمینی بدست آورده بودند مجبور گشتند در زیر فشار کمر شکن قرض، مالیات، اقساط، زمین آب، بذر و دام... و غیره، زمینهایشان را دوباره به مالک قبلی که با هزاران حیل و نیرنگ زمین های مرغوب را همچنان غصب نموده برگردانند و با مالکان جدیدی و - گذار کنند.

بدین ترتیب در دنباله "اصلاحات ارضی" و سایر "اقدامات" حکومت، روز بروز درصد بیگاران در میهن ما افزوده گشت. دهها هزار روستائین بی خانمان گشته از نقاط مختلف بسوی شهرها هجوم آوردند و بر تعداد زانسه نشینان شهری افزودند. تعدادی همراه مهاجر تبعه شیخ نشینهای جنوب را در پیش گرفتند.

برای ترسیم سیمای کامل تری از روستا های ایران باید علاوه بر قروبیگاری و استعمار شدیدی حاکم در آن، بی بدلی شتی، بی فرهنگی، تحطی های موسمی، فقدان ابتدائی ترین وسایل امدادی و پیشگیری از ابتلای طبیعی... و غیره را نیز افزود.

دستگاه حاکمه اکنون نیز که میلیارد ها دلار از به تاراج گزاردن نفت ایران بیبیزد است، تنها ۶٪ از بودجه در برنامه پنجم را برای بخش کشاورزی اختصاص داده است. کلیه حقایق نشان میدهند، روندی که با "اصلاحات ارضی" شروع گشت وحدت تضاد های ژرف قبلی وجدائی باز هم بیشتر شهرها را از هات به همراه داشت، کماکان ادامه دارد. برای درک علل آن باید قبل از هر چیزی

اخلاق کمونیستی

غارت نموده و به مالکیت خصوصی تبدیل میگردد تا بزندگی انگلی خود ادامه دهند و براری "فضیلت"، "آزادی" و "مکراسی" پایه سرائی میکنند.

کارگران، دهقانان و تمام دستفروشان، بار د تحمل این ستم، با خاستند و با خاطر آزادی خویش و تبدیل جامعه ی کهنه زنت به یک جامعه نوین زیبا - انقلاب کردند و جامعه ای که در آن تمام مردم زحمتکش با خوشبختی زندگی خواهند نمود و در آن استعمار انسان از انسان ریشه کن خواهد شد.

انقلاب برای رسیدن به پیروزی باید بوسیله طبقه ی کارگر، بعنايه پیشرفته ترین، آگاه ترین، قاطعترین، با انضباط ترین و متشکل ترین طبقه با حزب پرولتاری بیثابه ستاد فرماندهی آن، رهبری گردد. این بصورت اصل مسلمی در انقلاب اتحاد شوروی و در سایر کشورهای سوسیالیستی به ثبوت رسیده است.

انقلاب کردن و تبدیل جامعه ی کهنه به نو، وظیفه ی بسیار افتخار آمیز و در عین حال بی نهایت سنگینی است. مبارزه ایست بفرنج، طولانی و سخت. تنها یک فرد قوی میتواند راهی طولانی را با بیاری سنگین بر پشت خود طی نماید. یک انقلابی، برای بیایان رساندن وظایف افتخار آمیز انقلابی خود باید دارای استوار اخلاق انقلابی باشد.

ما در جامعه ی کهنه متولد شدیم و هر شد یافته ایم و به نسبت های متفاوت آثار و عادات جامعه ی کهنه را با خود حمل میکنیم. بدترین و خطرناکترین ارثیه جامعه ی کهنه فردگرائی است. فردگرائی بر ضد اصول اخلاق انقلابی است. کوچکترین آثار باقیمانده ی آن در اولین فرصت رشد کرده، فضائل انقلابی را از بین برده و مانع مبارزه صادقانه با خطر امر انقلاب خواهد گردید.

فردگرائی خصوصیتی فریبکارانه و کثیف است که صورت ماهرانه افراد را در جهت پشت پا زدن به عقاید خود و تسلیم طلبی میرسد. همه میدانند که پشت پا زدن به عقاید ساده تر از پیشروی است. درست با این خاطر فردگرائی خطرناک است. برای بدور و ریختن آثار جامعه ی کهنه و پرورش خصوصیات انقلابی باید شدت بیاموزیم و خود را تربیت نموده و نوسازی نمائیم تا بتوانیم بطور اتم پیش برویم. در غیر این صورت عتب خواهیم ماند. بقیه در صفحه ۳

سر تا سر تاریخ خلقهای میهن ما، تاریخ مقاومت و مبارزه توده های زیر ستم علیه اقلیت های ستمگراست. قهرمانان بیشمار نامدار و گمنامی در کلیه دورانهای تاریخی ایران با جانبا زنیایشان، درس های بزرگی از مقاومت و مبارزه، پایداری و استقامت برای نسل های بعدی بجا گزارده اند. جنبش نوین انقلابی در میهن ما نیز در ادامه سنت های انقلابی و حماسه های خلق ساخته، فرزندان شجاع دیگری را تربیت می نماید. در این چندین سالی که از حکومت ننگین و سیاه محمد رضا پهلوی، قاتل صد ها مبارز و انقلابی میگردد، بارها باید ادگامهای او میداند و در آرزوی آزادی های محکم و قاطع مبارزینی که بی هراس از جنگ تا آخرین لحظه از منافع توده های زحمتکش دفاع نموده اند بلرز درآمده است. محمد مفیدی انقلابی شهید، عضو "سازمان مجاهدین خلق ایران" که در تاریخ ۲۱ دیماه ۵۱ بدست جلادان شاه اعدام شد، فرزند خلف این نسل نوین انقلابی در میهن ماست. او در آخرین دفاعیاتش با احساسات عمیق و پاک، شجاعانه از آرمانهای انقلابی و ایمان خود نسبت به اموت توده های در بند دفاع نمود و بار د یگریدادگاه راه صحنه دلآوری خلق تبدیل گرد و گفته "اولین نکته ای که باید در اینجا اشاره کنم انگیزه ما در مبارزه مسلحانه و قهرآمیز است که بعنوان تنها راه رهائی خلق از طرف نهضت مجاهدین خلق ایران انتخاب گردید میباشد. تقریباً در دوره دوم دبیرستان بودم که همرا با چند تن از رفقایم جلساتی برای بررسی مسائل اقتصادی تشکیل دادیم. در آن روز من بر حسب تفکر آن روزم دید صحیحی نسبت به مسایل اجتماعی کشور و فقر و ستم حاکم بر آن نداشتم. فکر میکردم با کمک به فقر و توازن کردن کودکان یتیم و نصیحت کردن ولگردان و بیگاران انبوهی که همیشه در شهرها وجود دارند کار ما درست میشود. این بود که به اتفاق دوستانم پیوسته در صد دگاری ناچیزی از این قبیل بودم. ولی پس از مدتی این روشها را بی فایده یافته و احساس کردم برای از بین بردن فقر و ستم باید عامل اصلی آنرا نابود نمود. و الا مبارزه با معلول بدون از بین

رفیق هوشی مین رهبر خلق و بنام در سال ۱۳۵۸ مقاله ای تحت عنوان "در باره اخلاق انقلابی" تدوین نموده است که آموزش از آن وظیفه هر کمونیست و هر انقلابی صادق است. بدین منظور ما سعی از آنرا در زیر چاپ می نمائیم.

"بشریت از آغاز موجودیت خود با خطر زندگی ماندن مجبور به مبارزه ی سختی علیه طبیعت، حیوانات وحشی، آب و هوا بود است. برای پیروزی در این مبارزه هر فردی باید بر نیروی تعداد وسیعی از مردم، بر جمع، بر جامعه تکیه کند. فرد به تنهایی قادر به پیروزی بر طبیعت و حفاظت خود نیست.

در عصر ما که عصری متعدن و انقلابی است هر فرد باید در کلیه ی فعالیت های خود بر نیروی جمع و جامعه تکیه نماید. اکنون دیگر فرد نمیتواند کنار ایستد بلکه باید به جمع به جامعه به پیوندد.

باین دلیل فردگرائی بر ضد کلکتیویسم حرکت مینماید، کلکتیویسم و سوسیالیسم مطمئناً پیروز خواهد گردید در حالیکه فردگرائی حتماً نابود شده و از بین خواهد رفت. شیوه های تولیدی و نیروهای مولد به بطور مداوم رشد پیدا میکنند و تغییر می یابند. شیوه ی تفکر انسان، نظامهای اجتماعی و غیره نیز همین روند را طی میکنند. همه ی ما میدانیم که از گذشته تا حال شیوه ی تولید، انحصار شاخه های درخت و تبر سنجی به استفاده از ماشین، برق و انرژی هسته ای تکامل یافته است.

نظامهای اجتماعی نیز از کمونیسم ابتدائی به برده داری، به فئودالیسم و به سرمایه داری تکامل یافته و امروزه پیش از نصف بشریت بسوی سوسیالیسم و کمونیسم پیش میروند. هیچکس نمیتواند این پیشرفت و تکامل را از حرکت بازدارد. با وجود آمدن مالکیت خصوصی، جامعه به طبقات - طبقات استعمار کننده و طبقات استعمار شونده - تقسیم شد. از این بیعد تضاد های اجتماعی و مبارزه ی طبقاتی نیز ظاهر شد. هر فردی الزاماً بیک طبقه ی اجتماعی وابستگی دارد و هیچکس نمیتواند خود را در ماوراء طبقات قرار دهد. در عین حال هر فردی از آزادی تولد و طبقه خود ش نمایندگی میکند.

در جامعه ی کهنه، فئودالها، سرمایه داران و امپریالیستها بطوری رحمانه ای سایر اقشار اجتماعی، بخصوص کارگران و دهقانان را تحت ستم و استعمار قرار میدادند. آنان مالکیت عمومی را که از طریق جامعه تولید شده بود

آینده تابناک است راه پر پیچ و خم از سختیها و مرگ نهراسیم